

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

"بازی بزرگ" جدید بریتانیا در آسیای مرکزی بزرگ

موضعگیری غرب در قبال گسیل ستیزه جویان بکشورهای بیگانه
آیا در قبال مبانی حقوقی حکومتداری باید از نو اتمام حجت نمود؟

غرب و چگونگی جبران فاجعه تحقیرآمیز در افغانستان
ادغام افراتیت قومی با افراتیت مذهبی
از آشفتگی‌های فکری باید رهایی یافت
دیسانت مجدد کارکنان قدیمی انجوها

"بازی بزرگ"، رویارویی سیاسی و دیپلماتیک که برای بسیار ی‌ها از سده ۱۹ و آغاز سده ۲۰ بین امپراطوری بریتانیا و امپراطوری روسیه بیش از افغانستان و سرزمین‌های همجوار در بخش‌های مرکزی و جنوبی آسیا به‌مراه داشت. بریتانیا از این مسأله هرأس داشت که روسیه قصد حمله به هند را دارد که بمنظور توسعه آنکشور در آسیای مرکزی است، در حالیکه روسیه از گسترش منافع بریتانیا در آسیای مرکزی هرأس داشت. در نتیجه، فضای عمیقی از بی‌اعتمادی و صحبت از جنگ بین دو امپراطوری بزرگ اروپا پی وجود داشت. بریتانیا قبل از همه، حفاظت و دفاع از هند را در اولویت قرارداد، در حالی که روسیه به فتح آسیای مرکزی ادامه داد. برخی از مؤرخان روسیه معقدند که پیش از سال ۱۸۰۱ روسیه حداقل نیتها و نقشه‌هایی در مورد هند داشته و این موضوع عمدتاً به سؤطن بریتانیا مربوط می‌شود، نقشه‌های تهاجم متعدد سده‌ها در مورد جنگ کریمیا (۱۸۵۳-۱۸۵۶)، از جمله برنامه‌های بعدی که هرگز محقق نشد. اما طرح‌های بازی بزرگ در ۱۲ ماه ژانویه سال ۱۸۳۰ آغاز شد.

در دیباچه و سرآغاز بحث حاضر، خاطرنشان باید نمود که در امتداد هفته‌های پسین، گزارش‌گونه‌هایی در مورد فعال شدن ولیعهد بریتانیا در مورد قضایای مربوط بکشور عزیز ما افغانستان بنشر رسید. در عین زمان، هواپیمای بدون سرنشین ناشناسی بر ذخایر سلاح و مهمات محاربوی "طالب"‌ها در جنوب و شمال کشور حملاتی را انجام داده و پهبادهای ناشناس استخباراتی بر فراز کابل گشت زنی نمودند. اما بر بنیاد شایعات موجود، مارشال دوستم که در ترکیه بسر می‌برد، اما نظارت و اثربخشی اش را بر هزاران جنگجوی ازبیک در شمال کشور همچنان حفظ نموده و با پادرمیانی ترکیه با بخش‌های استخباراتی انگلستان، همکاری‌هایش را آغاز نموده است. همچنان سرو صداهایی در مورد بازگشت مارشال دوستم و فرزندش بشمال کشور بمنظور رهبری عملیات جنگجویان ازبیک علیه "طالب"‌ها، به تشکیلات ضد طالبانی تحریک بیشتر بخشیده و از گزینش قدم شاه بمثابة فرمانده نظامی جبهه مقاومت خبر دادند. در شرایط و وضعیت حاضر، "طالب"‌ها قبل از همه و بیشتر از موارد مطرح، اصل مقابله و مبارزه با جبهه مقاومت بر رهبری احمد مسعود

را بویژه در اندراب در دستور کارشان قرار داده و بآن اولویت قابل می کردند. اما در هفته های پسین، شاهد تحرکات نظامی و تقویة بیش از پیش نظامیان گروه یادشده و بکارگیری از نیروهای ذخیره آنها می باشیم. این امر نیز کاملن واضح و میرهن می باشد که رهبران "طالب" ها، بویژه جبهه اندراب را بمثابه عمده ترین و درعین زمان خطرناکترین آزمون های شان در کشور می پندارند. می توان چنین فرض نمود که حملات پیهم "جبهه مقاومت ملی افغانستان" بویژه در ولایت تخار، بگونه ایی، به چگونگی سیر حوادث ونحوه وضعیت عملیاتی در اندراب مرتبط می باشد. چه، در مسیر حوادث ولایت تخار کشور، به بخش هایی از زیرساخت های "طالب" ها، حملاتی سازماندهی و اجرا گردید. موارد ذکر شده گویای این واقعیت پنداشته می شود که بخش های قابل توجهی از جنگجویان جبهه مقاومت ملی در بخش های جداگانه کشور به عملیات چریکی مبادرت ورزیده و کانون های مقاومت علیه "طالب" ها در شمال کشور نیز در حال تشکل می باشد. حملات پیهم مبارزان جبهه یادشده بگونه نمونه در ولایت تخار، بصورت مستقیمی با وضعیت اپراتیفی در اندراب ارتباط دارد. در استقامت تخار، آنها به زیرساخت ها و بویژه براها و طرق انتقال نیروهای ریزرفی "طالب" ها از ولایت های شمال کشور به اندراب یورش می برند. واقعیت های یادشده بخودی خود، بازگوی تنظیم و اجرای عملیات برنامه ریزی شده فرماندهی جبهه مقاومت ملی بوده کاز امکان اجرای عملیات چریکی در برخی از بخش های کشور نیز نمی توان چشم پوشی بعمل آورد کاین خود می تواند سبب ساز ایجاد و تشکل سیستم واحد رهبری ضد طالبانی و شکل گیری کانون های مقاومت بویژه در شمال کشور تلقی گردد.

بایست اضافه گردد که عملکردهای جبهه مقاومت ملی در شمال اندراب و تاحدودی در دره پنجشیر و وسایل کار گذاشته شده در پهبادها توسط مقامات بریتانیایی هماهنگ شده است. همچنان قابل یاددهانی پنداشته میشود که رهبری "طالب" ها، ملامان الدین منصور فرمانده قوتهای هوایی، ملافاضل مظلوم معاون نخست وزارت دفاع و ملأحاجی مالی خان معاون نخست لوی درستیز را بولایت های شمال کشور فرستادند تا در مورد عملکردها و تحرکات مسلحانه مخالف "طالب" ها در شمال کشور تحقیق و بررسی نمایند. قابل تذکر پنداشته می شود که با فعال شدن تشکیلات نظامی نیروهای ضد "طالب" بویژه در پس زمینه آغاز برقراری روابط و مناسبات میان رهبری "طالب" ها و فدراسیون روسیه، وزارت امور خارجه بریتانیا از شهروندان آن کشور تقاضا بعمل آورد تا از انجام سفر با افغانستان خودداری نموده و در صورت موجودیت، هرچه زودتر محدوده آن کشور را بدلائل امنیتی ترک نمایند.

می توان چنین فرض نمود که در مجموعه مفهومی که توسط بوریس جانسون در مورد کشور ما بیان شده است، اصل آغاز تهیه مقدمات هرج و مرج در منطقه بزرگ آسیای مرکزی پیشبینی می گردد که در نوع خود تاحدودی با طرح های ژئوپولیتیک ایالات متحده همخوانی دارد.

این واقعیت بهمگان واضح و میرهن می باشد که انگلوساکسون ها، کودتای نظامی در پاکستان را سازماندهی و اجرا نمودند که در نتیجه، حاکمیت بر رهبری عمران خان را که بیشتر در جهت و سمت همکاری با روسیه تمایل داشت، سرنگون نمودند. شهباز شریف، برادر نواز شریف و نماینده برجسته "طایفه پنجابی" که از نزدیک با بریتانیای کبیر در ارتباط و زد و بند بوده و در تبعید خود خواسته در لندن بسر می برد، بمثابه حاکم جدید اسلام آباد برگزیده شد.

قابل یاددهانی پنداشته می شود که در آغاز سالروان، در نتیجه بمباردمان قوت های هوایی نظامیان پاکستانی در ولایت های خوست و کنر، بیشتر از ۳۰ تن از شهروندان ملکی کشور بشمول اطفال و زنان هموطن ما بخاک و خون کشیده شدند. در اسلام آباد ادعا گردید که عملیات هوایی قوت های یادشده بمنظور هدف قراردادن محلات بود و باش و مراکز تمرینات جنگجویان "تحریک طالب های پاکستان" در مناطق و محلات مرزی افغانستان با پاکستان، بویژه در ولایت های کنر، خوست و پکتیا و در پاسخ بحملات انتحاری انجام شده علیه نظامیان پاکستانی انجام گردید. همچنان در شب ۲۸/۲۷ ماه حمل سالروان، حملاتی علیه تأسیسات نظامی پاکستان در باجور سازماندهی و اجرا گردید که در نتیجه بتعداد ۲ تن از نظامیان پاکستانی کشته و بتعداد ۴ تن آنها نیز زخم برداشتند. مسؤلیت عملیات تروریستی یادشده را "دولت اسلامی" بر عهده گرفت.

علاوه بر آن، جنگجویان جدایی طلب بلوچستان، بگونه همزمان به شهرهای نوشکی و بولان ایالت یادشده نیز حملات جداگانه ای را انجام دادند. قبلن نیز گروه های یادشده برای باشنده های بلوچستان وعده سپرده

بودند تا آنها را از قید و بند و ظلم و ستم پاکستان رهایی بخشند.

بارتباط حملات هوایی نظامیان پاکستانی بر ولایت‌های خوست و کنر، وزارت امور خارجه "طالب"ها، حملات یاد شده را محکوم نموده و در زمینه، یادداشت اعتراضی به سفارت پاکستان در کابل ارسال گردید. مقامات امارت اسلامی افغانستان اظهار نموده تأکید بعمل آوردند که نباید نظامیان پاکستانی با انجام اقدامات اینچنینی، تحمل و بردباری افغان‌ها را بی‌بازی گرفته و در آینده نیز نباید به انجام آن مبادرت نمایند که با از سرگیری حملات اینچنینی، عواقب ناگوار آن بر عهده نظامیان پاکستانی خواهد بود. "طالب"ها بگونه دو فاکتو در امتداد مرزهای افغانستان با پاکستان بتعداد نظامیان افغان افزایش بعمل آورده و بایجاد استحکامات بیشتری نیز مبادرت ورزیدند، بر بنیاد گزارش‌هایی، بگونه همیشگی گلوله باری‌های سلاح‌های ثقیل توسط هردو جانب پاکستان و افغانستان همچنان برای ساعت‌ها ادامه حاصل نمود. بگمان اغلب که عامل عمده درگیری‌های اینچنینی، از جمله یکی هم موجودیت خط نامیمون "دیورند" می‌باشد که بمثابة میراث شوم استعمار انگریزی بر پیکر کشور ما تحمیل گردیده است.

بایست خاطر نشان گردد که در پس زمینه تنش‌های فزاینده برانگیخته شده توسط لندن در کشور ما و مناطق اطراف آن، مقامات تاجیکستان نیز سیاست و نحوه عملکرد شان را در قبال اسلامگرایان بدخشان متحول نموده، با اهالی محل دید و بازدیدهایی انجام داده و کارهای دستجمعی و فعالیت‌های مختلف اجتماعی را سازماندهی نمودند.

چنانچه بهمه واضح و روشن می‌باشد که قدرت واقعی در منطقه نوگورنی بدخشان متعلق بفرماندهانی است که در قبال آقا خان، رهبر معنوی اسماعیلیان و مشتری قدیمی ام - آی ۶ پاسخگومی باشند. این نیز مهم بنظر می‌رسد که در بخش‌هایی از بدخشان کشور ما، فرمانده پولیس "طالب"ها با اسم صبغت الله همراه با نفرات تحت فرمانش به "جبهه مقاومت ملی افغانستان" ملحق شدند.

قابل یاددهانی است که تشدید نبرد بمنظور دستیابی به "قلب آسیا" بدلیل غنای طبیعی کشور عزیز ما قابل توجه پنداشته می‌شود.

بر بنیاد گزارش‌های بنشر رسیده و تخمین‌های پنتاگون در امتداد سال ۱۳۸۹، ارزش مجموعی ذخایر طبیعی کشور به یک تریلیون دالری بالغ می‌گردد.

بگمان برخی‌ها، این امکان نیز عملن موجود می‌باشد کاصل رقابت در امر دستیابی به معادن و ثروت‌های طبیعی کشور، در نوع خود، سبب ساز ایجاد بی‌ثباتی سیاسی در داخل کشور ما گردد.

قابل تذکر پنداشته می‌شود که رقابت ضمنی در مورد "مسأله افغانستان" بویژه در عرصه سیاسی - دیپلوما تیک نیز بوضاحت بمشاهده می‌رسد. اما سازمان ملل همزمان و همراه با کنفرانس کشورهای دونر، نیز نتوانستند با اهداف تعیین شده نایل گردند.

در این میان، کشور چین زمینه سومین دور ملاقات و گفتگوها با دول کشورهای همجوار افغانستان با شرکت و سهمگیری وزرای امور خارجه ایران، پاکستان، روسیه، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبیکستان با امیر خان متقی سرپرست وزارت امور خارجه "طالب"ها را مساعد و مهیا نمود.

در مورد مدل‌ها، اشکال، شیوه‌ها، طرق و وسایل و راه‌های نیل بحل و فصل سیاسی قضایای کشور، طرح گوناگون و مختلفی موجود می‌باشد. از جمله بر بنیاد اظهار نظر و سخنان یکتن از کارشناسان معتبر مسایل روابط بین الدول میتوان در مورد یاد شده اضافه نمود که در واقعیت امر، در سرزمین افغانستان، اصل منافع و مصالح بریتانیای کبیر و ایالات متحده، بگونه بسیار پنهان بهم گره خورده و اگر از این وضعیت استفاده بهینه بعمل نیامده و از منافع منحصر بفرد موجود خودی دفاع لازم صورت نگیرد، بازی بزرگ بعدی درگستره اور آسیا را به یقین که خواهیم باخت.

شنبه ۱۷ ماه ثور سال ۱۴۰۱ خورشیدی